

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده: لاله

۲۲ اگست ۲۰۱۱

## فرهنگ چیست؟

فرهنگ عبارت است از مجموعه ارزش های مادی و معنوی که توسط بشریت در طول تاریخ آفریده شده است. فرهنگ یک پدیده اجتماعی است که معرف سطح پیشرفت جامعه در یک مرحله معین تاریخ می باشد. این سطح پیشرفت به وسیله ترقی فنون، تکامل تجارب در زمینه روند کار و تولید، پیشرفت آموزش و پرورش، علوم، ادبیات، هنر و همچنین به وسیله سطح رشد نهاد های اجتماعی که در ارتباط با فعالیت های مذکور می باشد، تعیین می گردد. فرهنگ به طور کلی به فرهنگ مادی و معنوی تقسیم می شود. فرهنگ مادی همان ابزار مادی تولید تولید و زیست، تجارب کسب شده در زمینه تولید و ثروت های مادی دیگر است. فرهنگ معنوی عبارت است از دستاورد های جامعه در زمینه علوم، هنر، ادبیات، فلسفه، اخلاق، آموزش و... فرهنگ به بیان خاص کلمه همان فرهنگ معنوی است.

در میان مهمترین نشانه های سطح فرهنگ (به مفهوم عام کلمه) در یک جامعه و در یک مرحله مشخص تاریخ، باید از درجه استفاده از تکنیک های تکامل یافته و اکتشافات علمی در پروسه تولید اجتماعی، سطح فرهنگ و تکنیک تولید کنندگان نعم مادی و همچنین درجه اشاعه آموزش، ادبیات و هنر در میان مردم، نام برد. مارکسیسم لنینیسم برای اولین بار مسائل فرهنگ و محتوای تاریخی و اجتماعی آن را از طریق علمی حل کرد و نشان داد که فعالیت های معنوی انسان ناشی از شرایط زندگی مادی جامعه و خصوصیات رژیم اجتماعی و سیاسی است. ایده آلیست ها فرهنگ و رشد آن را محصول ذهنی نخبگان جامعه و "الیت" ها تصور می کنند. به عقیده آن ها بین فرهنگ و مبارزه طبقاتی هیچ گونه رابطه ای موجود نیست. مارکسیسم لنینیسم به طرز بی وقفه ای علیه تمام تیوری های ایده آلیستی که می خواهند تغییر ناپذیری فرهنگ بورژوائی را ثابت کنند، علیه تمام تیوری هائی که می کوشند خصوصیات طبقاتی فرهنگ بورژوائی را پنهان سازند و سیاست امپریالیستی بورژوائی را در زمینه سرکوب و استثمار توده ها و نابود ساختن و به زیر سلطه کشیدن فرهنگ آنان را توجیه کنند، مبارزه می کند. مارکسیسم لنینیسم علیه هر نوع اقدامی که تحت شعار های جهان وطنی (کوسموپولیسیسم) در استتار سیاست امپریالیستی عمل می نماید، مبارزه می کند.

مارکسیسم لنینیسم با اعلام اینکه فرهنگ یک پدیده اجتماعی است، از تر اساسی ماتریالیسم تاریخی حرکت می کند، یعنی معتقد است که شیوه تولید نعم مادی تمام زندگی اجتماعی، سیاسی و معنوی را تعیین می کند. تکامل شیوه تولیدی نعم مادی شرط گذار از یک نظام اجتماعی معین و فرهنگ معین مربوط به آن به یک نظام اجتماعی بالاتر و فرهنگ منطبق با آن نظام جدید است. از اینرو، فرهنگ یک پدیده تاریخی است که توسعه می یابد. قوانین رشد شیوه های تولیدی، نیرو های مؤلده و مناسبات تولیدی پایه موجودیت فرهنگ مادی و معنوی جامعه را تشکیل می دهد. بنابر این، قوانین عینی (ابزکتیو) بر تکامل فرهنگ حکومت می کند و این تکامل به خواست و اراده انسان ها وابسته نیست. یک فرهنگ جدید فقط وقتی به وجود می آید که شرط عینی زندگی مادی جامعه پخته باشد. اما در نظر گاه ماتریالیسم تاریخی و دیالکتیکی، هر چند فرهنگ معنوی به وسیله ساخت اقتصادی و شیوه تولیدی نعم مادی تعیین می شود، ولی به طرز مکانیکی و خود به خودی تغییرات آن را دنبال نمی کند. فرهنگ معنوی به مثابه بخشی از روبنای جامعه از یک استقلال نسبی در تکامل خود بر خوردار است و در شرایطی (چنانچه مانع رشد و تکامل زیر بنای اقتصادی شود) می تواند نقش عمده و تعیین کننده پیدا کند. فرهنگ معنوی در عین حال از فرهنگ دیگر خلق ها و کشور ها نیز تاثیر می پذیرد. بالاخره هر فرهنگ جدید از نقطه نظر تاریخی به فرهنگ گذشته وابسته است و پیوند دارد. تسلسل تاریخی رشد تولید مادی پایه تسلسل در رشد فرهنگ مادی و معنوی است. لنین می گوید: "فرهنگ پرولتری باید رشد منطقی مجموعه آگاهی های تدوین شده توسط بشریت، تحت یوغ جامعه سرمایه داری، جامعه مالکین بزرگ ارضی و جامعه بوروکراتیک (سرمایه داری) باشد.

فرهنگ در هر جامعه طبقاتی از یک خصلت طبقاتی معینی بر خوردار است که محتوا و اهداف آن را تعیین می کند. مثلاً در یک جامعه سرمایه داری هر فرهنگ ملی به دو فرهنگ، یکی فرهنگ مسلط بورژوازی (فرهنگ طبقه مسلط) و دیگری عناصر فرهنگی کم و بیش تکامل یافته دموکراتیک و سوسیالیستی متعلق به توده های تحت ستم تقسیم می شود. فرهنگ سوسیالیستی که کلیه عناصر مترقی فرهنگ گذشته را در خود جذب می کند و به طرز ریشه ای هم از نظر ایدئولوژی و هم از نظر عملکرد اجتماعی با فرهنگ بورژوائی امپریالیستی تغایر دارد. فرهنگ سوسیالیستی فقط به وسیله یک انقلاب سوسیالیستی که یکی از اجزای اساسی آن انقلاب فرهنگی سوسیالیستی است می تواند به طور کامل خلق و تکامل یابد. فرهنگ سوسیالیستی به نوبه خود به حفظ و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا، ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا و نیل به یک جامعه کمونیستی نقش اساسی ایفاء می نماید. از اختصاصات فرهنگ سوسیالیستی می توان چند مورد زیر را ذکر نمود:

خویشاوندی و تعلق داشتن به توده ها، ایدئولوژی کمونیستی، جهان بینی علمی، خدمت به خلق، روحیه اشتراکی، میهن پرستی سوسیالیستی و انترناسیونالیسم.

زبان یکی از عناصر مهم شکل ملی فرهنگ است. اما بین زبان و فرهنگ به مفهوم کلی آن تفاوت بارزی موجود است. در یک جامعه طبقاتی فرهنگ خصلتی طبقاتی دارد، در حالیکه زبان خصلتی طبقاتی نداشته و برای تمام ملت مشترک است. زبان می تواند به نحوی یک سان به فرهنگ بورژوائی و فرهنگ سوسیالیستی خدمت کند. علاوه بر این هنگامی که یک نظم نوین اجتماعی به وجود می آید، فرهنگ عوض می شود، در حالیکه زبان عملاً در جریان چندین دوره اجتماعی تغییر پیدا نمی کند.

ویژگی نفسانی یک ملت، خصلت های روحانی انسان هائی که ملت را تشکیل می دهند، در ویژگی های فرهنگ های ملی منعکس می شوند. ویژگی نفسانی یکی از خصلت های اساسی ملت و نیز یکی از اشکال فرهنگ ملی است. این ویژگی بیان کننده شرایط مشترک زندگی انسان های متعلق به یک ملت می باشد. در جوامع طبقاتی،

اختلاف اوضاع و احوال و شرایط زندگی طبقات در تفاوت روانشناسی اجتماعی آن ها منعکس می شود. ویژگی های فرهنگ ملی در شیوه زندگی انسان ها نیز منعکس می شود. شیوه زندگی انسان ها به منزله یکی از اشکال فرهنگ ملی بیان عادی است که از لحاظ تاریخی در نزد یک خلق معین بر پایه روابط اجتماعی و خانوادگی خاص این خلق، سنت ها، آداب، شیوه آفرینش و شرایط زندگی موروثی و نوین (مسکن، پوشاک و...) شکل گرفته اند. شیوه زندگی اجتماعی و فردی انسان ها نیز بن نسبت تکامل و تغییر ساخت اجتماعی جامعه دگرگون می شود. مبارزه طبقاتی که حاصلش در هم شکستن نظام کهنه اجتماعی و برقراری یک نظم نوین اجتماعی می باشد، ضرورتاً یک فرهنگ نو، پیشرفته تر و مترقی تر را جایگزین یک فرهنگ کهنه و عقب مانده خواهد کرد. در این مبارزه طبقاتی، پرولتاریا و حزب آن نقش رهبری کننده را به عهده دارد. یک جامعه سوسیالیستی شرایط رشد کامل فرهنگ ملت ها و خلق ها را که دارای محتوای سوسیالیستی می گردد، فراهم می آورد، مبادله فشرده ارزش ها و وسایل فرهنگی مادی و معنوی را میان آنان تسهیل می نماید، گنجینه های فرهنگی ملیت ها را غنای بی سابقه می بخشد و شرایط بهره گیری این فرهنگ های ملی را از گنجینه فرهنگ جهانی فراهم می نماید و از اینرو گامی بلند در جهت تحقق و تکامل فرهنگ مشترک جهانی انسان ها، که به آرمان کمونیسم و تحقق آن کمک بزرگی می نماید، بر می دارد.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

باز تایپ توسط : لاله